

اسطوره هوشنگ‌شاه در قالی‌های تصویری دوره قاجاریه

علی وندشعاری

دانشجوی دوره دکتری پژوهش هنر دانشگاه شاهد، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۱۰
تابستان ۱۳۸۷

چکیده

دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هوشنگ‌شاه از جایگاه ویژه‌ای در میان شاهان اساطیری ایران برخوردار است. او کاشف بسیاری از موارد مهم و اثرگذار در زندگی و تمدن بشری در دوره اساطیری ایران محسوب شده و از طرفی دیگر بسیاری از صفات و خصلت‌های انسانی و نیکو را به او نسبت داده‌اند. و همین خصوصیت‌ها و ویژگی‌ها به نوعی می‌تواند حضور تصویر این پادشاه اساطیری را در تولیدات آثار هنری از جمله قالی توجیه کند.

واژه‌های کلیدی: قالی تصویری، قاجاریه، اسطوره،

هوشنگ‌شاه

از قرن سیزدهم هجری (دوره قاجار)، شاهد حضور قالی‌هایی با عنوان تصویری در ایران هستیم. این نوع قالی‌ها با طرح و ابعاد خاص خودشان، به نوعی نشان‌دهنده تغییر در سلیقه تولید و مصرف و نیز اثرپذیری قالی‌بافی ایران از دیگر هنرها و برخی تحولات اجتماعی است. هنرمندان قالی‌های تصویری ایران، موضوعاتی همانند تصاویر پادشاهان کهن و تاریخی و نیز شاهان معاصر را بر روی این قالی‌ها بافته‌اند. در این میان، هوشنگ‌شاه از جمله شخصیت‌هایی است که حضوری گسترده در میان این تولیدات و بافته‌ها

مقدمه

به نظر می‌رسد این قالی‌ها عمدتاً به‌صورت سفارشی تولید شده‌اند، زیرا محدودیت‌هایی همچون، ابعاد نامناسب تجاری، طرح و رنگ محدود و در اکثر موارد کپی‌برداری از تصاویر موجود در آثار هنری دیگر، مواجه نشدن با استقبال فراگیر در بازار مصرف و ... را به همراه داشته است.

در این میان، از شخصیت‌هایی که در عصر قاجار بر روی قالی‌های تصویری حضوری گسترده و موضوعی فراگیر داشت، تصاویر مربوط به هوشنگ‌شاه است. بافندگان قالی‌های تصویری، بیش از هر تصویر و موضوع دیگر تصاویر شاهان را بر روی قالیچه‌های خود آورده‌اند. این تصاویر اگرچه به صورت کلی از اصول مشترکی برخوردارند، ولی هر کدام از آنها ویژگی‌های خاصی را نیز دارا هستند و از طرفی دیگر حضور شاهانی مد نظر قرار گرفته است که تاریخ‌ساز بوده‌اند و از نظر پشتوانه فرهنگی در میان پادشاهان اساطیری ایران، همانند هوشنگ، جایگاه رفیعی را به‌خود اختصاص داده باشند. در قالی‌های تصویری از شاهان اساطیری، علاوه بر هوشنگ‌شاه، به جمشید و سپس شخصیت‌های حماسی ایران همانند رستم و سرانجام به تصاویر مربوط به شاهان عصر قاجار می‌توان اشاره کرد. در هر حال هنرمندان قالی‌های هوشنگ‌شاهی موضوع و مفهوم را از تاریخ اساطیری ایران گرفته و آنها را با عناصر تزئینی عصر خویش ترکیب نموده‌اند.

در ادامه به معرفی نمونه‌هایی از قالی‌های هوشنگ‌شاهی پرداخته و سپس به جایگاه هوشنگ‌شاه در منابع ادبی ایران در قبل و بعد از اسلام، اشاره می‌شود که به نوعی پشتوانه فکری و فرهنگی هوشنگ‌شاه را بر ما آشکار می‌کند.

در بین پژوهش‌هایی که درباره قالی ایران انجام گرفته است، قالی‌های تصویری کمتر مورد توجه بوده‌اند. شاید تعداد کم این قالی‌ها و نیز متفاوت بودن طرح آنها، به نوعی باعث حضور نداشتن این قالی‌ها در عرصه موضوعات پژوهشی شده باشد. از نظر تاریخی این قالی‌ها از سده سیزدهم هجری در ایران رواج یافته و تولید شده‌اند. به نظر می‌رسد پیدایش این نوع طرح و نقشه در قالی ایران، می‌تواند در بطن برخی از تحولات اجتماعی عصر قاجار به نهفته باشد. حضور تصویر انسانی به شکل پرتره بر روی قالی‌ها، کندتر از دیگر هنرها بوده است و شاید جایگاه کاربردی قالی، و محدودیت‌هایی که به خاطر زیر پا قرار گرفتن آن ایجاد می‌کرده، به نوعی حضور نداشتن برخی موضوعات خاص را ایجاد کرده است. با این حال در دوره‌های خاص، برخی تصاویر افراد و مخصوصاً پادشاهان که در تابلوهای نقاشی و یا عکاسی حضور دارند، در قالی‌ها نیز طراحی و بافته می‌شوند.

در عصر قاجار با وجود نگارخانه‌های سلطنتی، هنرمندان به تهیه تصاویر و پرتره‌های شاهان هم عصر خویش پرداخته و شبیه‌سازی تصاویر شاهان و شاهزادگان در این عصر، به نوعی تازگی داشته است. سده سیزدهم و چهاردهم هجری را شاید بتوان شروع جنبش تصویرسازی و اثر گذاری‌اش در قالی ایران نامید. تحت این شرایط بود که قالی‌های تصویری تولید شدند، و این زمانی است که نصب قالی‌های تصویری بر روی دیوار، دگرگونی‌هایی در کاربرد فرش ایجاد کرد و با تغییر این کاربرد، حضور تصاویر بر روی قالی‌ها بیشتر توجیه‌پذیر شد.

معرفی برخی نمونه‌ها



تصویر شماره ۲
تاریخ بافت: اواسط قرن سیزدهم هجری
محل بافت: اطراف همدان
اندازه: ۱۵۷×۳۴۴ سانتی‌متر
نوع گره: متقارن
رج‌شمار: ۲۵ گره در ۷ سانتی‌متر عرض - ۵۰ جفت
جنس تار و پود: نخ پنبه
جنس پرز: پشم
(مأخذ: تناولی، ۱۳۸۰، ۱۲۹)



تصویر شماره ۱
تاریخ بافت: ۱۳۲۲ هجری قمری
محل بافت: کرمان
اندازه: ۱۳۳×۲۰۰ سانتی‌متر
نوع گره: نامتقارن
رج‌شمار: ۵۰ گره در ۷ سانتی‌متر عرض - ۱۰۰ جفت
جنس تار و پود: نخ پنبه
جنس پرز: پشم
(مأخذ: دادگر، ۱۳۸۱، ۲)



تصویر شماره ۴
تاریخ بافت: اواخر قرن سیزدهم هجری
محل بافت: همدان، درجین
اندازه: ۲۰۰×۱۳۲ سانتی متر
نوع گره: متقارن
رج شمار: ۲۵ گره در ۷ سانتی متر عرض - ۵۰ جفت
جنس تار و پود: نخ پنبه
جنس پرز: پشم
(مأخذ: تناولی، ۱۳۸۰، ۱۳۵)



تصویر شماره ۳
تاریخ بافت: اواخر قرن سیزدهم هجری
محل بافت: اطراف ملایر
اندازه: ۱۸۳×۱۳۳ سانتی متر
نوع گره: متقارن
رج شمار: ۲۵ گره در ۷ سانتی متر عرض - ۵۰ جفت
جنس تار و پود: نخ پنبه
جنس پرز: پشم
(مأخذ: تناولی، ۱۳۸۰، ۱۳۳)



تصویر شماره ۶
تاریخ بافت: اوایل قرن چهاردهم هجری
محل بافت: خراسان، بلوچ
اندازه: ۱۴۰×۳۶۰ سانتی متر
نوع گره: نامتقارن
رج شمایز: ۲۵ گره در ۷ سانتی متر عرض - ۵۰ جفت
جنس تار و پود: پشم
جنس پرز: پشم
(مأخذ: تناولی، ۱۳۸۰، ۱۵۱)



تصویر شماره ۵
تاریخ بافت: اواخر قرن سیزدهم هجری
محل بافت: همدان، درجزین
اندازه: ۱۳۲×۲۰۰ سانتی متر
نوع گره: متقارن
رج شمایز: ۲۵ گره در ۷ سانتی متر عرض - ۵۰ جفت
جنس تار و پود: نخ پنبه
جنس پرز: پشم
(مأخذ: تناولی، ۱۳۸۰، ۱۳۷)

جایگاه هوشنگ‌شاه در فرهنگ و ادب ایران

گاهی در اساطیر ایران باستان، هوشنگ را با جمشید یکی دانسته‌اند و این مسئله از آنجا است که در اساطیر ودائی و پس از آن در هند، نشانی از هوشنگ نیست و آن‌کس که مقدم مردم است، جمشید باشد؛ در ریگ‌ودا، او نخستین انسان و نخستین فرمانروا نیز هست و احتمال اینکه هوشنگ همان جمشید باشد، از اینجا سرچشمه می‌گیرد. گرچه هوشنگ بعدها خود شخصیت مستقلی شده و در روایات ایرانی، نخستین شاه دانسته شده است (بهار، ۱۳۷۸، ۱۹۰).

«همچنین اسطوره‌شناسی شاهان ایرانی با سلسله پدرات (پیشدادیان) آغاز می‌شود. و نخستین پادشاه آنها هوشنگ است. نام او به معنای کسی است که خانه‌های خوب می‌سازد یا کسی که خانه‌های خوب می‌بخشد، و لقب او در *اوستا پدراته (paradata)* است، به معنی نخستین کسی که برای حکومت تعیین شده است که در پهلوی و فارسی به صورت *پیشداد* [۱] است و به معنای نخستین کسی است که قانون می‌آورد. در برخی از متون پهلوی، هوشنگ و *وئیکرد*، دو برادری هستند که یکی فرمانروایی را بنیان می‌نهد، و دیگر کشاورزی را. هوشنگ را فرمانروای هفت کشور نیز دانسته‌اند که دیوان و جادوگران از مقابل او می‌گریختند.» (آموزگار، ۱۳۸۱، ۵۱).

در هر جایی از *اوستا* (به استثنای فروردین یشت) که از هوشنگ‌شاه ذکری شده است با صفت «پَرَدَات» آمده است، که این صفت در فارسی پیشداد شده است

که «پَر» به معنای پیش و مقدم است و «دَات» به معنای داد و قانون. در کل یعنی نخستین کسانی که قانون گذاشته‌اند (پوردادو، ۱۳۷۷، ۱۷۹).

و نیز سپاه هوشنگ متشکل از حیوانات وحشی و اهلی و پرندگان و موجودات فوق طبیعی بوده و او با این لشگر، سپاه دیو سیاه را نابود می‌کند. روایت‌ها حاکی از این است که از فرمانروایی هوشنگ سه موهبت به بشر رسیده است: به کار بردن فلز، کشت و کار و آتش (هینلز، ۱۳۸۳، ۱۶۷).

نام هوشنگ چند بار در *اوستا* آمده است، و او برای ایزدان قربانی می‌کند و از آنان می‌خواهد تا برترین شهریاری را بر همه کشورها، بر دیوان و مردمان، جادوگران و پریان ... بیابد. در واقع او نخستین شاه در ایران باستان است.

«در دوره دیگری فرّه به ویگرد و هوشنگ پیشداد رسیده برای اینکه در جهان قانون دهقانی و کشاورزی جهان و حمایت جهان را پابرجا کنند. و با اتحاد و استقرار دین و با هم‌نیرویی‌شان، فرمانروایی و کشاورزی جهان را برای ترقی و پیشرفت و گسترش آفریدگان اورمزد و گسترش دین اورمزد، آورند و با این فرّه، هوشنگ دو سوم دیوان مازنی و هفت پیر و خشم را کشت و بنا به *زادسپرم* مهاجرت از خونیرس به کشورهای بیگانه در زمان هوشنگ بوده است و مهاجران، بر پشت گاو اساطیری *سروو* از دریا گذشته‌اند. در فرمانروایی هوشنگ هنگامی که مردم بر پشت گاو *سروو* به کشورهای دیگر می‌رفتند، شبی به ستایش آتش می‌پرداختند، آتشدان‌ها

که بر سه جا بر پشت گاو نهاده شده بود و آتش در آنها قرار داشت، در دریا افتاد و ...» (کریستن سن، ۱۳۷۷، ۱۸۱).

بنابر یشت‌ها نیز محل حکومت هوشنگ در سرزمین جنوب دریای خزر بوده و او فرمانروای هفت کشور نیز بوده است. او بانی جشن سده نیز بوده و از پوست جانوران پوشاک ساخته است (پورداد، ۱۳۷۷، ۱۷۹).

در روایات، میان نخستین زوج بشر و هوشنگ فترتی وجود دارد که با دو نسل پر شده است. توجیه کریستن سن در این باره چنین است که کیومرث فقط به مفهوم مجازی، شاه است و هوشنگ است که شاه واقعی به شمار می‌رود و بنابراین باید مردمی داشته باشد که بر آنان فرمانروایی کند، در نتیجه پخش مردمان در جهان و تقسیم آنان به نژادها و ملت‌ها باید در دوران میان نخستین زوج و زمان هوشنگ انجام گرفته باشد (کریستن سن، ۱۳۷۷، ۲۰). همچنین بنابر متن یشت‌ها «هوشنگ پسر فرواگ پسر سیامک پسر مثنی پسر کایومرث» است (پورداد، ۱۳۷۷، ۱۷۹)؛ یعنی از سیامک و نشاگ یا (وشاگ)، نخستین زوج از زوج‌های هفتگانه که فرزندان مثنی و مثنیانه بودند، جفت دیگری زاده شدند به نامهای فرواگ و فرواگین و از این دو، پانزده زوج به دنیا آمدند که اصل نژادهای گوناگون را تشکیل دادند. یک زوج از زوج‌های پانزده‌گانه، هوشنگ-گوزگ نام داشتند که اصل ایرانیان از آنان است و جفت دیگر تاز-تازگ‌اند که اصل

عرب‌ها به آنها می‌رسد و به همین گونه از هر یک از جفت‌های دیگر که نامشان ذکر نگردیده، نژادهای دیگری مانند چینیان، رومیان، هندیان و غیره، منشعب شدند و این نژادها در هفت اقلیم جهان جایگزین گشتند.

به نظر می‌رسد که هوشنگ، پس از کیومرث، که به‌خواست اهورا مزدا و امشاسپندان بر هفت کشور سلطنت یافت و نه تنها بر آدمیان فرمانروایی یافت بلکه دیوان را منکوب و مقهور خویش کرد و برای اهورامزدا و فرشتگان، بر قله کوه مقدس البرز قربانی‌ها کرد. کلمه هوشنگ را به معنی بخشنده جایگاه‌های خوبی دانسته‌اند. پدرش سیامک در جنگ با دیوان کشته شد و هوشنگ انتقام خون پدر را از دیوان گرفت. وی ناهید را به یاری طلبید و یکصد هزار اسب و هزار گاو و ده هزار بره قربانی کرد و بدین طریق صاحب فره کیانی شد. دوران شهریاری وی دوران آسایش و امنیت بود. مورخین اسلامی او را بر دین مسلمانی [۲] معرفی کرده‌اند، که مسجدها بنا کرده و نماز کردن فرموده و شهر بابل و شوش را بنا نهاده است (یاحقی، ۱۳۷۵، ۴۵۵).

صدیقیان نیز در فرهنگ اساطیری و حماسی ایران معتقد است که: لقب او پیشداد است و وضع قوانین و مقررات و برقراری عدالت منسوب به اوست و به این سبب ملقب به پیشداد گشته که پیشداد در فارسی به معنی نخستین واضع مبانی عدالت است. او نخستین کسی است که میان مردم به داوری پرداخته است. گاهی



او را پسر آدم (ع)، و گاهی پسر مهایل، نبیره حضرت آدم (ع) محسوب می‌کنند. گاهی او را با ادريس پیامبر یکی دانسته‌اند. ساختن ابزار اهلی کردن حیوانات، ساختن جامه و آبیاری و کشاورزی، نوشتن خط دور کردن دیوان و دزدان و بسیاری آیین‌های پادشاهی را به او نسبت داده‌اند (صدیقیان، ۱۳۷۵، ۳۸-۴۴).

روایت پیش نمونه انسان و نخستین زوج بشر در برخی از منابع از جمله شاهنامه، با دگرگونی‌هایی دیده می‌شود. از مشی و مشیانه سخن به میان نمی‌آید و تاریخ اساطیری ایران در شاهنامه با گیومرث شروع می‌شود. در شاهنامه، گیومرث به جای پیش نمونه انسان، نخستین کدخدای جهان است که مردمان را می‌پرورد و پوشیدنی و خورش نو برای آنان پدید می‌آورد. او سی سال پادشاهی می‌کند. پسر او نیز سیامک نام داشته و در مقابل او، اهریمن نیز پسری دارد، دیوگونه و بدسگال و گرگ‌صفت که نسبت به حکومت گیومرث و سیامک حسادت می‌کند. سروش خبر این کینه را به گیومرث می‌رساند و او سیامک را با سپاهی به مقابله دیو می‌فرستد. در این نبرد سیامک توسط این دیو کشته می‌شود و هوشنگ به عنوان انتقام پدر، با دیو سیاه جنگ می‌کند و چون او بر دیو سیاه پیروز می‌شود، پادشاهی سی ساله گیومرث نیز به سر می‌رسد و دوره پیشدادی از این جا آغاز می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۱، ۵۱).

روایت است که «هوشنگ روزی با تنی چند، ماری و یا اژدهایی را می‌بینند و هوشنگ سنگی را با تمام نیرو

به سوی اژدها پرتاب می‌کند، که این سنگ بر سنگ دیگر می‌خورد و به این ترتیب، فروغ آتش پدیدار می‌شود و آتش کشف می‌شود.» (کرتیس، ۱۳۸۲، ۳۶). و نیز مقارن کشف آتش در زمان هوشنگ، آیین جشن سده نیز بنیان نهاده شده است، به سخن فردوسی (زمردی، ۱۳۸۲، ۱۲۰):

شب آمد بر افروخت آتش چو کوه
همان شاه در گرد او با گروه
یکی جشن کرد آن شب و باده خورد
سده نام آن جشن فرخنده کرد
ز هوشنگ مانند این سده یادگار
بسی باد چون او دگر شهریار

ابوریحان بیرونی در کتاب *آثارالباقیه* از چندین جشن سخن می‌راند که مربوط به هوشنگ بوده است. این جشن‌ها سالیانه بوده‌اند. از جمله، ایجاد جشن خرم روز یا نود روز را که جشن اولین روز دی ماه در سال بود، بدو منسوب داشته‌اند که در آن روز شاه از تخت شاهی خود، فرود می‌آمد و جامه سپید می‌پوشید و بر فرش سفیدی در صحرا نشست و شکوه شاهی را رها کرده و به کارهای مردم و جهان می‌رسید و بنا به روایات پارسیان در آن روز میان هوشنگ و ویکرد (برادر هوشنگ) وفاق اتفاق افتاد. و نیز جشن تیرگان (سیزدهم ماه تیر) که در عین حال یادآور بنیان نهادن طبقه نویسندگان بود. و در آن روز هوشنگ به مردم جهان فرمان داده بود که به جامهٔ دبیران و دهقانان در آیند و همه مردم برای تجلیل دبیری و بزرگداشت

دهقانی، تا زمان گشتاسب، جامهٔ دبیری می پوشیدند (بیرونی، ۱۳۶۳، ۳۴۵).

جشن سده نیز یکی از اعیاد بزرگ بوده است. این جشن به حساب قدیم در دهم بهمن و قبل از نوروز باستان و به خاطر کشف آتش توسط هوشنگ، برگزار می شد (رضایی، ۱۳۸۱، ۱۳۸). همچنین در مورد این جشن آمده سنگی که هوشنگ انداخته بود تا اژدها فرار کند، چون بر سنگ دیگر خورده بود، از آن جرقه ای برخاسته و جرقه بر چند گیاه و درخت خشک افتاده، به طوری که اژدها در آتش سوخته بود، و مردمان سرشار از شادمانی آن آتش را به فال نیک می گیرند و مراسم آن نیز در هر سال به عنوان جشنی برگزار می شده است.

از میان نویسندگان دوران اسلامی، طبری نیز به هوشنگ اشاراتی کرده است؛ از جمله اینکه: دوره حکومت هوشنگ (اوشهنگ) چهل سال بود و او اول کسی بود که درخت را برید و خانه ساخت و معدن فلزات را کشف کرد و فرش را از پوست حیوانات گستراند به تدبیر امور رعیت را انجام می داد (طبری، ۱۳۷۵، ۱۱۱-۱۱۲).

در زین الاخبار، هوشنگ کسی است که گسترنده داوری در میان آدمیان و عدل و داد بوده و حق مظلومان را از ظالمان می گرفت. او اولین کسی است که آتش را کشف کرده و از گوشت گاو و گوسفند استفاده کرده و کشاورزی و آبادانی را به همراه برادر راست کردارش ویکرت، رونق داد. آیین تاج نهادن و بر تخت نشستن

نیز از اوست (گردیزی، ۱۳۸۴، ۶۴-۶۵).

بر خلاف اکثر نویسندگان، ابوالمعالی در کتاب بیان/الادیان رواج بت پرستی را به هوشنگ نسبت می دهد و عنوان می کند که: «هوشنگ دختری داشت و بر صورت دختر خویش عاشق بود، و دخترک نیز پس از مدتی می میرد. او دستور می دهد که مجسمه ای از دخترک را درست کنند و هر روز نیز به دیدن آن مجسمه می رفته است و این مجسمه را با خود به همه جا می برد و با این کار او، بت پرستیدن در جهان پدید آمد.» (ابوالمعالی، ۱۳۷۶، ۴۴).

بلعمی عنوان می کند که هوشنگ آفریدگان را به خدانشناسی خواند، به دین مسلمانی بوده است و دادگر. مسجدها بنا کرد نماز خواندن را رواج داد و احداث کاریز برای به دست آوردن آب و گستردن فرش از او است (بلعمی، ۱۳۴۱، ۱۲۸-۱۲۹).

نویسندگان متأخر، هوشنگ را مخصوصاً معلمی در مسائل اخلاقی معرفی می کنند و حتی در این مورد کتابی وجود دارد به نام جاویدان خرد که نام دیگر آن «وصایای هوشنگ» است و آنرا اثری از هوشنگ می دانند. میخواند آورده است که بخشی از این کتاب را حسن برادر فضل بن سهل، وزیر مأمون خلیفه عباسی، از سریانی به عربی برگردانیده است و ابوعلی مسکویه نیز این تحریر اخیر را نقل کرده است (کریستن سن، ۱۳۷۷، ۱۹۸).



ویژگی‌های مشترک قالی‌های هوشنگ‌شاهی و نتیجه‌گیری

با بازگشت به سابقه حضور تصویر شاهان در هنر ایران می‌توان دریافت که تصویرسازی شاهان در ایران، سابقه طولانی دارد. در دوران قبل از اسلام ایران، تصاویر شاهان و موضوعات مربوط به آنها بر روی صخره‌ها و دیوار کاخ‌ها و سکه‌ها و ظروف سیمین و زرین و ... ثبت شده‌اند. در ایران عصر اسلامی نیز برخی موضوعات شاهانه قبل از اسلام مورد توجه قرار گرفته است و کتاب‌های شاهنامه می‌تواند دلیلی بر این علاقه‌مندی باشد.

با وجود این، حضور جدی تصویر بر روی قالی از عصر قاجار به بعد است که به‌طور یقین، شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن دوره تسریع‌بخش این حضور بوده است. شاید دلایل حضور تصاویر بر روی قالی‌ها را در حالت کلی بتوان اثرگذاری برخی از پیشرفت‌ها و هنرها از جمله الگوهای چاپ سنگی و تصاویر آنها و نیز الگوهای مصورسازی شده آنها، حضور عکاسی در زمان ناصرالدین شاه و آشنایی با عکس‌هایی به‌عنوان پرتره، حضور نقاشان از غرب برگشته و نیز تولید آثار نقاشی از چهره‌های شاهان و خانواده‌های آنها و ... دانست که همه این موارد می‌تواند حضور تصویر بر روی قالی را تقویت کنند.

از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری این قالی‌ها می‌توان به الهام گرفتن هنرمندان قالی از نقاشی قهوه‌خانه اشاره کرد. یعنی نقاشی‌ای که خارج از

جریان‌های آکادمیک رشد کرد و به نوعی وابسته به حوزه ادبیات و روایت‌گری است. این گونه از نقاشی، در راستای علائق و آمال ملی مردم عادی مطرح شد. از ویژگی‌های این سبک عامیانه می‌توان به صراحت، سادگی، آوردن نام اشخاص در کنار تصویر، بزرگتر بودن شخصیت اصلی نسبت به تصویر اشخاص فرعی و نیز استفاده از برخی عناصر قراردادی برای تأکید به جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت‌ها اشاره کرد (پاکباز، ۱۳۸۳، ۲۰۱).

در هر حال، حضور نقش این پادشاه بر روی قالی‌ها نمی‌تواند بدون دلیل باشد. پشتوانه معنوی این شخصیت اساطیری به گونه‌ای پرننگ و اثرگذار است که حضور نقش او پس از هزاران سال، توجیه‌پذیر می‌شود. اگرچه این شاه و شخصیت او، اساطیری و فرازمانی است، ولی خصلت‌هایی که او به آنها متصف شده در حلی فراگیر و اثرگذار است که در عصر اسلامی نیز از جایگاه بسیار رفیع و مهمی برخوردار گشته است. شاید به دلیل همین صفات انسانی، اسلامی، عقلانی و ارزشمند باشد که هوشنگ‌شاه در بین شاهان اساطیری از جایگاهی ویژه در دوره اسلامی برخوردار بوده و در قالی‌های تصویری ایران نیز حضوری چشم‌گیر دارد.

این قالی‌ها که عمدتاً در اطراف همدان و ملایر تولید شده‌اند، نشان می‌دهند که از یک الگوی واحد پیروی کرده‌اند و عناصر مشترک بسیاری را در خود دارند و از طرفی تحت تأثیر برخی از پرده‌های نقاشی

- شده در ناحیه بیجار و همدان و کردستان نیز که تصویر هوشنگ‌شاه را بر خود دارند، قرار گرفته‌اند. از جمله اینکه:
- تخت پادشاهی هوشنگ که بر شانه دیوها قرار گرفته است، احتمالاً تحت تأثیر روایات تاریخی از تخت سلیمان نبی(ع) است که در مواقع خاصی بر شانه دیوان و پریان، به پرواز درمی‌آمد و از طرفی شباهت این تخت‌ها به تخت فتحعلی شاه قاجار - معروف به تخت مرمر - نیز می‌تواند مد نظر قرار گیرد و این تخت نیز بر شانه دیوان و پریان قرار گرفته و احتمالاً تولیدکنندگان این قالی‌ها، تحت تأثیر این الگو قرار گرفته‌اند.
 - چهره دیوها در قالی‌های هوشنگ‌شاهی، زشت و به همراه شاخ و دم هستند. در اغلب موارد دست‌ها بر سینه قرار دارند و فرمانبرداری شاهان را نشان می‌دهند و لباسی از پوست حیوانات را بر تن دارند.
 - در پای تخت هوشنگ‌شاه در برخی موارد شیری خوابیده است و در شانه و یا پشت سر هوشنگ‌شاه اغلب خورشیدی دیده می‌شود. اگر از مفاهیم سلطنتی نقشمایه شیر و خورشید در عصر قاجاریه بگذریم، شاید حضور شیر و خورشید به نوعی تثبیت‌بخش و نشان‌دهنده جایگاه رفیع دینی و معنوی هوشنگ‌شاه باشد.
- نحوه نشستن هوشنگ‌شاه و گرفتن شمشیر در دست و نیز حضور شیر، شباهت‌های فراوانی به برخی از شمایل‌های مذهبی ائمه اطهار را نشان می‌دهد.
- ترکیب‌بندی متقارن و از رویه‌رو که عمدتاً در شمایل‌نگاری مذهبی به چشم می‌خورد، تا حدودی در این قالی‌ها نیز دیده می‌شود. ایجاد فضای محرابی شکل در فضای بالای سرهوشنگ‌شاه، که توسط دو ستون عمودی با تزئینات نواری ماریچ ایجاد شده است، به نوعی تقویت‌بخش جایگاه دینی او نیز می‌تواند باشد.
- در اکثر موارد اندازه هوشنگ‌شاه بزرگتر [۳] از بقیه موضوعات و اشخاص است و نیز تصویر شاه در مرکز این قالی‌ها قرار گرفته است. لباس شاه اکثراً سرخ است و خود وی عمدتاً ریش و سبیل دارد و نیز کتیبه‌ای بر بالای سر هوشنگ‌شاه قرار دارد که نام پادشاه نوشته شده و یا - به ندرت - تاریخ تولید قالی قید شده است.
- شباهت سربازان شاه به نقش برجسته‌های سربازان هخامنشی نیز کاملاً مشهود است؛ نحوه ایستادن و نمای نیم‌رخ، آرایش موها، و لباس و... تحت تأثیر آن نقش برجسته‌ها است. در کنار این عناصر باستانی و تاریخی، افرادی نیز با لباس درباریان و مهمانان عصر



قاجار در این قالی‌ها دیده شوند.

نیز نقش این شاه را آورده است و دیگر هنرمندان نیز از روی آن نسخه‌برداری‌هایی کرده‌اند.

- لازم به ذکر است که با وجود پیدایش تصویر سه‌بعدی در نقاشی و عکاسی این عصر، تصاویر هوشنگ‌شاهی به شیوه نگارگری سنتی بوده و در آنها از پرسپکتیو اجتناب شده است.

در مجموع قالی‌هایی با نقش هوشنگ‌شاه در محدوده خاص تاریخی ظاهر شده‌اند و تقریباً پیروی‌کننده از اصول قالی‌های تصویری بوده‌اند که از چهره شاهان افشار و قاجار طراحی و بافته شده‌اند.

در مجموع هنرمندان این قالی‌ها سعی در یکی کردن موضوع اساطیری با نقش و نگار معاصر خویش داشته و این قالی‌ها را به یادگار گذاشته‌اند. در هر حال هوشنگ از جمله شخصیت‌هایی بوده است که بنا به اهمیت و جایگاه اجتماعی‌اش، در دوره‌ای خاص که فضا برای حضور نقش او آماده بوده است، بر روی قالی‌ها بافته شده است و از پادشاهان و انسان‌های اساطیری ایران باستان تنها شخصیتی است که به همراه جمشید (به میزان کم) بر روی فرش آورده شده است. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که قالی‌های هوشنگ‌شاهی با وجه اشتراکات فراوانی تولید شده و از اصول مشترکی نیز پیروی می‌کنند و از نظر مفهومی در حد و اندازه یکسانی هستند. از این قالی‌ها می‌توان دریافت کرد که هنرمندان خالق قالی‌های هوشنگ‌شاهی، به نوعی فقط قصد تقلید از یک طرح و نمونه خاص را داشته‌اند و شاید اولین نمونه قالی هوشنگ‌شاهی، تحت تأثیر اساطیر و نیز روایت‌های اسلامی بوده باشد و یا هنرمند در مواجهه با روایت‌های قهوه‌خانه‌ای و پرده‌های نقاشی آنها با اسطوره هوشنگ‌شاه آشنا شده و سپس بر روی فرش

پی‌نوشت‌ها

۱. پیشداد از دو واژه «پیش» و «داد» به معنای عدل تشکیل شده است.
۲. لازم به ذکر است که اگر چه مسلمانی در اسطوره وجود نداشت، و حضرت ابراهیم خلیل نیز که اسطوره نیست بلکه از بنی اسرائیل است اما در قرآن از او با عنوان مسلم حنیف یاد شده است.
۳. این شیوه در دیوارنگاری و ظروف‌نگاری رایج است که تصویر حکام و فرمانرواها را بزرگتر کار کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. آموزگار، ژاله (۱۳۸۱) *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت، چاپ پنجم.
۲. بهار، مهرداد (۱۳۷۸) *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و دوم)*، تهران، آگه، چاپ سوم.
۳. بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد بن (۱۳۴۱) *تاریخ بلعمی*، (تکلمه و ترجمه تاریخ طبری)، به تصحیح محمد تقی بهار (ملک الشعرا)، به کوشش محمد پروین گنابادی، جلد اول، تهران، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.
۴. بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳) *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیرکبیر، چاپ سی‌ام.
۵. پاکباز، روبین (۱۳۸۳) *نقاشی ایران (از دیرباز تا امروز)*، تهران، زرین و سیمین، چاپ سوم.
۶. پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷) *یشت‌ها (بخشی از کتاب مقدس اوستا)*، جلد اول، تهران، اساطیر.
۷. تناولی، پرویز (۱۳۷۸) *قالیچه‌های تصویری ایران*، تهران، سروش، چاپ اول.
۸. دادگر، لیلیا (۱۳۸۰) *قالی‌های تصویری موزه فرش ایران*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۹. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۱) *اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان*، تهران، دُر.
۱۰. روشن، محمد (۱۳۷۸) *تصحیح و تحشیه تاریخ نامه طبری (گردانبیاه منسوب به بلعمی)*، جلد اول، تهران، سروش.
۱۱. زمردی، حمیرا (۱۳۸۲) *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر*، تهران، زوار.
۱۲. کرتیس، وستا سرخوش (۱۳۸۳) *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، چاپ چهارم.
۱۳. کریستن سن، آرتور (۱۳۷۷) *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.
۱۴. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۸۴) *زین الاخبار*، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۵. صدیقیان، مهین دخت (۱۳۷۵) *فرهنگ اساطیری حماسی ایران (به روایت منابع بعد از اسلام)*، جلد اول، پیشادیان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵) *تاریخ طبری (تاریخ التریسل و الملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، تهران، اساطیر، چاپ پنجم.
۱۷. علوی، ابوالمعالی محمد بن نعمت (۱۳۷۶) *بیان‌الادیان*، به تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی (بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی).
۱۸. هینلز، جان (۱۳۸۳) *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، چشمه.
۱۹. یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵) *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، تهران، پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.



